

بسم الله الرحمن الرحيم

## تقدیرات الله و وضع و حال مسلمین

متأسفانه مسلمین و جوامع اسلامی که آخوند زده شدند و از دسترسی مسقیم به آیات قرآن محروم و دچار دینداری با واسطه گشتند، نتوانستند مفهومات قرآنی را به معنای واقعی خود اخذ نمایند و نتیجتاً در وادی انحراف و گمراهی افتادند. اصل تقدیر الهی یکی از این مفهومات قرآنی است که مسلمین آن را به معنای آخوندی اش دریافت کرده و حاصل آن «بی ارادگی و بی کارگی و ناتوانی» بیش نبود!، زیرا **تقدیر آخوندی** مبنی بر بیچارگی و درماندگی در برابر ازلیات هپروتی است، و معلوم هم نیست که این ازلیات (بخوانید هزلیات) از کجا اخذ شده است! هر چند میتوان گفت که منشاء اصلی آن در روح و اراده ناتوان و درمانده اهل خیال و خرافه نهفته است، و این مروجان خیال و خرافه، بجای ارائه تقدیر و قضا و قدر الله، **ماهیت منحط خود را عرضه کرده اند**، و در بسیاری از اوقات هم حقا که اهداف نامشروع سیاسی و اقتصادی داشته اند و به قصد اسکات و منزوی سازی مسلمین این جبریات را شایع کرده اند. و گرنه اینها حداقل این خبر را شنیده اند که محمد مصطفی، که رسول اسلام و اسوه و سرمشق همه مسلمین است، ۲۳ ساله نبوت را در میدان مبارزه و جهاد سپری کرده است. و خود قرآن هم حاصل یک مبارزه پیروز توحیدی است. اما با وجود این، **مروجان خیال و خرافه و انزواء** تنها به نشر سموم خود اکتفا نکرده اند، بلکه اعلام داشته اند که هر کس به تقدیر (تقدیر آخوندی و خرافی) معتقد نباشد **کافر است!!**، و بدینصورت حتی سعی و تلاش را بی ثمر تلقی نموده اند!!، و بعد بر پایه همین تعالیم خرافی و آخوندی،

بدخواهان اسلام و مسلمین، علیه اسلام و مسلمین موضع گرفتند و اعلام کردند که خوب ما به تقدیر الله معتقد نیستیم! و اصلاً اسلامیت را نفی میکنیم!، چون اسلام یعنی جبر و بی ارادگی و عدم اعتقاد به علت و دلیل و تلاش!!، و اینچنین مسلمین و جوامع اسلامی، گرفتار روزگار سیاه کنونی شدند و مختل و متلاشی و متفرق گشتند و به اسارت استبداد و استعمار درآمدند.

نکته حیرت آور اینست که مسلمین تا جایی در باتلاق انحراف و بی ارادگی و تنبلی فرو رفته و از آیات قرآن دور شدند که حتی از تربیت بشر و از تأثیر روی سرنوشت فرزندان خود دست برداشتند و اهمیتی بدان ندادند و گفتند: هر چه الله تعیین کرده همان خواهد بود!، زیرا خوبی و بدی انسانها از ازل و قبل از تولد! تعیین شده و چیزی نمیتواند در خوبی و بدی سرنوشت انسانها مؤثر باشد!!، و بدین ترتیب اصل عظیم «تزکیه» را که پایه تربیت است و مبنی بر ساخت و هدایت و پاکسازی نفس بشری از شرک و جهل و انحراف و بی عملی و بی ارادگی است و همه ارکان تربیتی اعم از نماز، روزه، زکات، و حج و... برای تحقق آن وضع شده اند، بکلی فراموش کردند. و این واقعیت تأسف آور بیانگر اینست که مسلمین نه تنها حکمت و علل وضع ارکان تربیتی اسلام را درک نکردند، بلکه حتی از فهم معنای ساده آنها نیز عاجز ماندند. در حالیکه اگر مسلمین به همین آیه کلیدی توجه میکردند که میفرماید: **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا** هرگز کارشان بدین اندازه مصیبت بار نمی شد و روزگارشان هم تا این اندازه سیاه نمیگردید و از یک بخش پایه ای از هدایت قرآنی برخوردار میشدند. ولی بجای آن، از طرفی آیات قرآن را وسیله شانس و بخت و استخاره قرار دادند و آنرا به خوب و بد و متوسط تقسیم کردند و از طرف دیگر گفتند که هر چه الله اراده کرده همان خواهد بود!!، اما انحراف به این مقدار از خیالات و خرافات و بی کارگی ختم نشد و بسیار عمیقتر گردید، و مثلاً برای رسیدن به خواستههای مشروع و نامشروع به مردگان متوسل شدند و بازار مرده پرستی را گرم کردند. خوب وقتی بشریت، اسیر انحراف و تنبلی و جهالت گردید همه چیز به هم میخورد و قاطی و بی سر و ته میشود. و گر نه

یک انسان جدی و معتقد به تقدیر جبری، که معتقد است همه چیز از ازل و قبل از خلقت تعیین شده، چگونه به استخاره و مردگان بیچاره متوسل میشود؟! چنین برخوردی با قرآن حکیم که وحی الله بر محمد است و برای هدایت بشریت نازل شده است، توهین آمیز و مسخره بازی و در حقیقت «ضلال مبین» محسوب میشود. و همین برخورد با قرآن و اسلامیت بوده که مسلمین را دچار رکود و انحطاط و تفرق و اسیر روزگار کنونی کرده و به دام شرک و استبداد و استعمار و به دره فقر و محرومت و نا امنی انداخته است. و حقیقتاً چنین مردمانی، دنیا و آخرت و قوانین و سنن الهی و دینداری را به بازی گرفته و خسران دنیا و الآخرة هستند. اینست که مسلمین و جوامع اسلامی جز بازگشت به قرآن و فهم مجدد و ایمان مجدد، چاره دیگری ندارند، و بیداری اسلامی، باید عمق توده‌های غفلت زده را فراگیرد، تا مفهوم تقدیر و غیر آن و تمام اصطلاحات و مفاهیم و اصول و فروع اسلامیت زنده شوند و از رکود و انحراف و پوکی نجات پیدا کند، و در سایه صراط حی و مستقیم، رشد و تکامل توحیدی میسر گردد.

## انحراف و رکود ویژه مسلمین نیست!

چیزی که نباید از آن غافل ماند و ذکر آن ضروری میباشد اینست که متأسفانه این تنها مسلمین نبوده و نیستند که به خیال و خرافات چسبیده‌اند و راه انحطاط و بی چارگی پیموده و می پیمایند، بلکه هر ملت و جامعه‌ای که دچار سرنوشت شوم و پر مصیبتی میشود، نشانه اینست که به راه انحراف و خرافات رفته است. و ملل جهان و کل بشریت در طول تاریخ، که اسیر استبداد و استعمار و فقر و جنگ و شده‌اند، ناشی از انحراف و گمراهی و غفلت، و حرکت بر خلاف سنن و قوانین الله است. در جهان امروز هم که در همه قاره‌ها جوامع زیاد و با عقاید و عادات خاصی زندگی میکنند، دارای مشاغل بسیار عمیق و گرفتار فقر و جنگ و استبداد و استعمار هستند. جوامع کمونیستی هم که حکومتشان سر از استبداد و انحصارگری و جنایتکاری درآورد و کارشان به سقوط و سرنوشتی انجامید، بخشی

از آن ، ناشی از خیال و خرافات مارکس و تقدیرهای ساختگی و جعلی ایشان بود! چون سوسیالیسم را سرانجام بشری اعلام کرد ، و خیال کرده بود که سوسیالیسم و کمونیسم سرانجام بشریت است . بدین صورت کمونیست‌ها نیز از امور و علل و عوامل دیگر غفلت نموده و خواستند به زور هم که شده به سوسیالیسم! برسند و بشریت را در گودال تقدیرات مارکس! بیندازند . اما هنوز قدم‌هایی را بر نداشته بودند که سر از استبداد و قتل و سرکوبگری درآورند و هر چه سوسیال ( جامعه ) و سوسیالیسم ( جامعه‌خواهی ) بود ، پایمال گردید . و دیدیم که تقدیرهای جعلی مارکس چگونه خیالی از آب درآمد ، و مجدداً تقدیر الله اثبات گردید ، و آن اینکه : زورگویی و ظلم و جنایت ، نه نتیجه بخش است و نه بشریت را به زور دروغهای تاریخی ( جبرمراحل تاریخ؟! ) میتوان در گودال کمونیسم منکر و ملحد انداخت . و آنهایی هم که بدان پرتاب شدند و کمونیست گشتند کارشان به تلخی و سیاهی کشیده شد . و حالا مادر کمونیسم ( روسیه ) معلوم نیست که بعد از کمونیسم سر از چی و سر از کجا در خواهد آورد ، و فعلاً سرزمین فساد و مافیا شده است . به امید اینکه راه هدایت و سنن الله را در پیش گیرند . جوامع اروپا و آمریکای تحت سلطهٔ سرمایه داری نیز در انحراف و گمراهی عمیقی گرفتار آمده‌اند و انسان آن بلاد اعم از زن و مردش تا سطح حیوانات تنزل پیدا کرده و جز مادیت و جنسیت و تنازع بقاء را برسمیت نمیشناسد و اکثر مردمانش در غفلت و بی‌خبری عمیقی بسر می‌برند . بنابر این ، چیزی که بشریت غربی باید منتظرش باشد ، مصائبی است که شاید قابل قیاس با جنگ اول و دوم جهانگیر اروپا نباشد و سرنوشت آنها را کلا زیر و رو کند ، مگر قبل از وقوع آنها بیدار شده و مسیر خود را تغییر دهند . و در سایهٔ همین غفلتِ مردم و روح و بینش مادی آنها بوده که سرمایه داران ظالم و متجاوز غربی قرن‌ها مردم آن کشورها را استثمار و به بردگی کشیده و میکشند . اما طغیانگران ظالم و متجاوز غربی به این حد اکتفا نکردند و مردمان کشورهای دیگر جهان را هم زیر سلطهٔ خود قراردادند و آنها را نیز ، که غافل و غیر مسئول بودند و زمینهٔ زیر سلطگی داشتند ، به بردگی گرفته و زیر یوغ

استعمار و استبداد دست نشانده قرار دادند ، و حالا قرن‌هاست که مشغول غارت اموال و ثروت جهانیان و قتل بشریت و تبلیغات دروغین و گمراه کننده هستند . اما خوشبختانه در آن مناطق و به تأکید در کشورها و جوامع اسلامی ، این امید بوجود آمده است که فکر و اندیشه توحیدی رواج یابد و اسلامیت و ارزشهای توحیدی و انسان‌ساز مورد توجه قرار گیرند . و بالاخره مسلمین و جوامع اسلامی که از حد اقل هدایت الهی برخوردار بوده و از قرآن و آیات الله متاثر می باشند و نیز دارای گذشته و ریشه های اسلامی هستند ، وضعیتشان از ملل دیگر مناسب تر و دارای زمینه های هموارتری اند ، و امید می رود که مسلمین در دهه های آینده از لیاقت پیشتازی برخوردار شوند و ان شاء الله سرانجام بتوانند وعده قرآنی : **لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ** را جامه عمل پوشند و اسوه همه بشریت گردند .

سازمان موحدین آزادیخواه ایران

۱۸ شوال ۱۴۲۴-۲۱ آذر ۱۳۸۲